



مقدمه‌ای بر

جغرافیای نظامی

(قسمت یازدهم)

سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی
استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

۱-۶) فلات قاره و حدود مناطق دریایی فلات قاره

طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی محدوده کف دریا یا حاشیه قاره^(۱) و شعول مقررات دریایی به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- فلات قاره تا عمق ۱۳۰ متر؛

۲- سراسیب قاره از ۱۳۰ متر تا ۳۵۰۰ متر؛

۳- پیش قاره از ۳۵۰۰ متر تا ۵۵۰۰ متر

فلات قاره (ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲)

«فلات قاره دولت ساحلی، متشکل است از بستر و زیربستر مناطق زیر آب در ماورای دریای سرزمینی، در امتداد دامنه طبیعی قلمرو زمینی کشور تا لبه بیرونی حاشیه قاره، یا در موازادی که لبه بیرونی قاره با این مسافت نباشد، تا مسافت ۲۰۰ مایلی دریایی از خطوط مبدأیی که برای تعیین عرض دریای سرزمینی استفاده می‌شود.»^(۱)

تعریف حقوقی

فلات قاره که از نگاه علوم مختلف دارای تعاریف گوناگونی است و هریک از قلمرو مشخصی را دربرمی‌گیرد، لیکن تعریف حقوقی دارای تعهدات بین‌المللی است که کشورهای ساحلی متعهد به رعایت آن می‌باشند.

مناطق دریایی

کنوانسیون ۱۹۸۲، مناطق مختلف دریایی را از جمله خط مبدأ، آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری - اقتصادی، آنها یا دریای آزاد و منطقه میراث مشترک، طی موادی به شرح ذیل تعیین می‌نماید:



خط مبدأ (ماده ۵)

شش دولت مدعی ۴ تا ۶ مایل، هشتادویک دولت مدعی ۱۲ مایل و بیست و پنج دولت مدعی بیش از ۱۲ مایل برای دریای سرزمینی خود بودند.

جالب اینکه کشورهای بزرگ و قدرتهای دریایی از عرض کم و سایر کشورها از عرض زیاد در دریای سرزمینی دفاع می‌کردند، ولی کنوانسیون ۱۹۸۲ در میزان عرض دریای سرزمینی، برای اولین بار وحدت رویه ایجاد کرد و طبق ماده ۳ عرض آن را حداکثر ۱۲ مایل و حداقل ۳ مایل تعیین کرد.

البته براساس روشهای قبلی امکان دارد کشوری بیش از ۱۲ مایل را به عنوان دریای سرزمینی قرار دهد، لیکن این امر برای کشورهایی که مشابه آن عمل کنند قابل اعمال است و در مورد سایر کشورهای معتقد به ۱۲ مایل قابل تری نمی‌باشد.

دولت ساحلی در منطقه دریای سرزمینی حق حاکمیت دارد و سطح آب و فضای بالا و بستر و زیربستر آن جزو قلمرو کشور ساحلی محسوب می‌شود.

دولت ساحلی در دریای سرزمینی حق اعمال حاکمیت مطلق و انحصاری دارد، چون دریای سرزمینی یا ساحلی، جزئی از سرزمین او محسوب می‌شود، البته حاکمیت کامل و انحصاری دولت، مشروط به حفظ منافع کشتیرانی بین‌المللی است، زیرا کشتیها در دریای سرزمینی از حق عبور بی‌ضرر برخوردارند و این اصل قراردادها ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ تصریح شده است و متقابلاً کشتیها موظف به رعایت قوانین و مقررات دولت ساحلی که منطبق بر اصول حقوق بین‌الملل دریاهاست، می‌باشند.^(۴)

منطقه نظارت

منطقه نظارت که به منطقه مجاورتی موسوم است، در مجاورت و ماورای دریای سرزمینی قرار دارد.

عرض این منطقه در کنوانسیون جدید حقوق دریاهای ۱۲ مایل بعد از دریای سرزمینی تعیین شده است و دولت ساحلی دارای حقوق محدودتری نسبت به دریای سرزمینی است که در زمینه اعمال قوانین گمرکی، مالی، بهداشتی و مهاجرتی می‌باشد.

در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیز نقطه نظرات مورد توجه قرار گرفته است و حدنهایی آن با دریای سرزمین، ۱۲ مایل از خط مبدأ تعیین گردیده است و به دولت ساحلی اجازه داده شده است که اولاً از نقض مقررات گمرکی، مالی، مهاجرتی و بهداشتی در قلمرو دریای سرزمینی خود جلوگیری نماید، ثانیاً مجازاتهای لازم را در زمینه نقض موارد مزبور اعمال کند.^(۵)

منطقه انحصاری - اقتصادی

این منطقه در کنوانسیون ۱۹۵۸ مطرح نبوده است، ولی در کنوانسیون ۱۹۸۲ مورد توجه خاص قرار گرفته و برطبق ماده ۵۵ آن، منطقه انحصاری -

خط مبدأ عادی برای اندازه گیری عرض دریای سرزمینی، خط پست‌ترین جزر آب در امتداد ساحلی است که روی نقشه‌های با مقیاس بزرگ رسماً توسط دولت ساحلی تعیین می‌شود.^(۶) هر یک از دولتهای ساحلی متناسب با ویژگیهای جغرافیایی ساحل کشور خود به تعیین خطوط مبدأ می‌پردازند.

الف - آبهای داخلی (ماده ۸)

آبهای هستند که در پشت خط مبدأ و یا پایین خط مبدأ و ساحل بدنه خشکی کشور قرار گرفته‌اند. آبهای خلیج‌های کوچک و یا بزرگ، آبگیر و مصب رودخانه‌ها و بنادر، از آبهای داخلی و سرزمین اصلی کشور ساحلی محسوب می‌شوند.^(۷)

لازم به ذکر است در آبهای داخلی، دولت ساحلی حاکمیت دارد و کشتی‌های خارجی تنها با هماهنگی و مجوز دولت ساحلی می‌توانند تردد نمایند و تابع مقررات کشور ساحلی می‌باشند.

ب - دریای سرزمینی

دریای سرزمینی اولین منطقه بعد از خط مبدأ است، در گذشته غالب کشورها عرض آن را سه مایل در نظر می‌گرفتند، زیرا مسئله دفاع از ساحل اهمیت داشت و سه مایل با تیررس توپ که در ساحل مستقر می‌شد، مساوی بود، ولی به دلیل عدم وحدت نظر بین کشورها روش واحدی برای تعیین دریای سرزمینی اتخاذ نشد و بعضی کشورها نظیر آرژانتین و برزیل حد دریای سرزمینی خود را تا ۲۰۰ مایل توسعه دادند. قبل از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حدود ۲۰ دولت مدعی سه مایل،



نگاره (۲): مناطق مختلف دریای طبق عهدنامه ۱۹۸۲

پاورقی

1) Continental margin

- (۲) بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷، ص ۷۱.
- (۳) همان، ص ۶۰.
- (۴) هنجی، حقوق بین الملل عمومی، ۲، ص ۲۲.
- (۵) بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی - ۱۳۶۷، ص ۲۰۷.
- (۶) همان، ص ۲۴۷.
- (۷) محمدرضا حافظنیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۷۱، ص ۳۸۷.
- (۸) بهمن آقایی، حقوق بین الملل دریاها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷، ص ۲۷۸.
- (۹) جغرافیای سیاسی دریاها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۵، ص ۷۱.
- (۱۰) محمدرضا حافظنیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۷۱، ص ۳۹۰.

اقتصادی در ماوراء و مجاور دریای سرزمینی واقع شده است و منطقه نظارت نیز بخشی از منطقه انحصاری - اقتصادی محسوب می شود.

حد این منطقه از خط مبدأ ۲۰۰ مایل تعیین شده است که با در نظر گرفتن عرض دریای سرزمینی، عرض منطقه انحصاری - اقتصادی همراه با منطقه نظارت ۱۸۸ مایل و بدون منطقه نظارت ۱۷۶ مایل می باشد.

با اجرای این ماده، بخش زیادی از آبهای جهان، جزء این منطقه قرار می گیرند و طبق محاسباتی که انجام شده است، حدود ۳۲ تا ۳۶ درصد سطح اقیانوسهای جهان، جزء منطقه انحصاری - اقتصادی محسوب خواهد شد.

این منطقه بیش از ۹۰ درصد از ذخایر قابل بهره برداری تجاری شیلات و ۸۷ درصد ذخایر شناخته شده نفت و حدود ۱۰ درصد از کلوخه های منگنز را در خود جای داده است. (۶)

دولت ساحلی در بالا و بستر و زیر بستر این منطقه، حق کاوش و بهره برداری و حفاظت از منابع طبیعی زنده و غیر زنده و تحقیق و بهره برداری اقتصادی نظیر تولید انرژی، ایجاد جزایر مصنوعی، تأسیسات و ساختمان، انجام دادن تحقیق علمی و کنترل محیط زیست دریایی را خواهد داشت و دولتهای دیگر در این منطقه حق آزادی کشتیرانی، پرواز و کابل کشی و لوله گذاری را دارند. (۷)

آبهای دریای آزاد (ماده ۸۶)

کلیه قسمتهای دریا که جزء منطقه انحصاری - اقتصادی، دریای سرزمینی، یا آبهای داخلی کشورها یا بخشی از آبهای مجمع الجزایری کشورهای مجمع الجزایری نباشند. (۸)

در این بخش از دریا، آزادی کشتیرانی، آزادی پرواز بر فراز آن، آزادی کابل کشی و لوله گذاری، ساختن جزایر مصنوعی و سایر تأسیسات، آزادی ماهیگیری، آزادی تحقیقات علمی، چه برای کشورهای ساحلی و چه برای کشورهای محصور در خشکی فراهم است، ولی کشورها باید در اعمال دین حقوق منافع یکدیگر را در نظر داشته باشند. (۹)

منطقه میراث مشترک بشریت (ماده ۱۳۳)

این منطقه در بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوسها در ورای حاکمیت ملی کشورها قرار دارد و در ورای منطقه فلات قاره و منطقه انحصاری - اقتصادی است و بر آبهای آزاد جهان (منهای آبهای آزاد فلات قاره) تطبیق می کند.

منابع این منطقه از میراث مشترک بشریت به حساب می آید و هیچ دولتی بطور یکجانبه حق تصرف آنرا ندارد، و تنها مقام مجاز برای بهره برداری از آن "مقام بین المللی بستر دریاها" است که ویژگیها و چگونگی آن در کنوانسیون ۱۹۸۲ مشخص شده است. (۱۰)